

نقش تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی

چکیده

افساد فی الارض باعث رفتارهایی است که در صورت ارتکاب موجب اخلال نظام اجتماعی می شود؛ به گونه ای که ثبات و قرار شهروندان را از بین می برد. افساد فی الارض انجام هر عملی است که مسیر عادی و سلامت امنیتی یا اخلاقی یا اقتصادی جامعه را بر هم بزند. نقش تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی از موضوعاتی است که مورد اقبال قرار نگرفته است. سؤال مهمی که در این تحقیق مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که تشکیل حکومت عدل چه تأثیری بر دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی دارد؟ این تحقیق به روش تحلیلی- توصیفی بوده و با استفاده از داده های کتابخانه ای به بررسی سؤال پرداخته شده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که فلسفه تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام و دستورات خداوند و تحقق عدالت است. از طرفی افساد فی الارض که مصادیق زیادی را در بر می گیرد با نادیده گیری عدالت مرتبط است. ویژه خواری و فساد اداری، خویشاوندگرایی و قبیله گرایی به عنوان مصادیقی از فساد فی الارض تلقی می شوند که ارتباط تنگانی با عدالت دارند زیرا ویژه خواری شامل اختلاس، رشوه و همچنین خویشاوندگرایی در تعارض با فلسفه تشکیل حکومت عدل اسلامی بوده و در واقع یکی از ضروریات تشکیل حکومت مقابله با چنین جرایمی است که بنیان عدالت اجتماعی را از بین می برد. با توجه به داده های تاریخی، ایجاد یک حکومت عادل اسلامی نقش مهمی در رونق هنرهای اسلامی داشته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش حکومت عدل در دفع افساد فی الارض.

۲. بررسی نقش حکومت عدل در هنر اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. نقش حکومت عدل در دفع افساد فی الارض چگونه است؟

۲. نقش حکومت عدل در هنر اسلامی چگونه است؟

کلیدواژه ها: حکومت عدل، افساد فی الارض، هنر اسلامی.

مقدمه

افساد در اصطلاح مفسران اندکی متفاوت است با آنچه فقهای گرانقدر اسلام فرموده‌اند. مثلاً مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید: هرگونه کج‌رفتاری افساد است (طوسی، ۱۴۱۳: ۳/۴۱۶). در تفسیر مجمع‌البیان اعمالی از قبیل تغییر دین و تحریف کتاب و جلوگیری مردم از گرایش به دین افساد دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۵۲: ۱/۷۳). مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌گردد و همه افراط‌ها و تفریط‌ها در شکل مسائل فردی و اجتماعی هنری مصداق فساد است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱/۲۱۴). یکی دیگر از مفسرین معتقد است که از نظر پیامبران و مصلحان عالی قدر روش و اعمال منافقین فساد در زمین است؛ از این جهت که این روش منشأ فساد استعدادهای فکری و اخلاقی افراد بشر می‌شود و چون انسان ثمره خلقت و زمین است فساد انسان، فساد زمین است، یا از این جهت که فساد قوای بشری موجب بایر ماندن زمین و بهره نگرستن از استعدادهای آن می‌گردد و یا اینکه دو نتیجه بقای نظام فاسد و عمل مؤثر در یکدیگر است (طالقانی، ۱۳۹۰: ۱/۴۷۳). به همین لحاظ است که اساس جامعه اسلامی بر مبنای عدل و اصلاح است که هر دو در تضاد ماهوی با فساد قرار دارد. آیات قرآن کریم نیز بر اساسی بودن عنصر عدالت در حکومت الهی تأکید می‌کنند. عکس آن، مصداق فساد دانسته شده است. در روایات اسلامی نیز به جایگاه عدل در اداره جامعه این چنین اشاره شده است: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالَفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَ لَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۲۴)؛ همانا عدالت میزان خداوند سبحان است که در میان خلق قرار داده و برای برپایی و قوام حق نصب فرموده است؛ بنابراین درباره میزان خداوند با او مخالفت، و با سلطنت او معارضه نکنید «العدلُ نظامُ الأمرة» (همان: ۴۴۶).

عدل، سازمان‌دهنده حکومت و هنر است. «ملاک السياسة العدل»: معیار سیاست، عدل است. «فی العدلِ آلِ اقتداء بِسُنَّةِ اللَّهِ وَ ثُبَاتِ الدَّوْلِ» در عدالت، اقتدا به سنت خداوند و برقراری دولتهاست. در مجموع می‌توان گفت که حکومت در اسلام معادل قوام و اصلاح کار مسلمین در جهت مصالح دنیوی و اخروی آنها بر مبنای عدالت است؛ درحالی‌که فساد باتوجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی آن، درست در نقطه مقابل این امر قرار دارد. براساس آنچه گفته شد سؤال اساسی که در این زمینه مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که تشکیل حکومت عدل اسلامی چه نقشی در دفع افساد فی الارض در حکومت اسلامی دارد؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که افساد فی الارض مصادیق متعددی دارد اما آنجا که به عدالت مرتبط می‌شود، فساد اداری شامل اختلاس، ارتشا و همچنین خویشاوندگرایی از مصادیقی از افساد فی الارض می‌توانند تلقی شوند که ارتباط مستقیمی با عدالت و ضرورت تشکیل حکومت عدل اسلامی داشته و حکومت عدل اسلامی وظیفه مقابله با چنین جرایمی را بر عهده دارد. افساد فی الارض در از بین بردن و ربودن آثار هنری نیز به چشم می‌خورد. در راستای بررسی فرضیه و پاسخ به سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم افساد فی الارض در فقه مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به نقش حکومت عدل اسلامی در دفع افساد فی الارض در تمامی امورات از قبیل اداری، هنری، اقتصادی، اجتماعی پرداخته می‌شود.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است لذا این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع بپردازد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی نقش و ضرورت تشکیل حکومت عدل در جهت دفع افساد فی الارض در حکومت و هنر اسلامی پرداخته شد. نتایج بر صحت فرضیه تحقیق دلالت دارد. براساس فرضیه تحقیق، افساد فی الارض مصادیق متعددی می‌تواند داشته باشد که اقسام فساد اداری از قبیل اختلاس و همچنین مواردی چون خویشاوندگرایی مغایر با عدالت و فلسفه تشکیل حکومت عدل اسلامی است که ضرورت تشکیل حکومت عدل مقابله با چنین جرایمی است. در واقع یکی از مهم‌ترین دلایل لزوم برقراری حکومت اسلامی عبارت است از تحقق عدالت و اجرای احکام الهی در راستای تحقق عدالت اسلامی در کلیه امورات زندگی. برخی از مصادیق افساد فی الارض نیز در تضاد با تحقق عدالت در جامعه است که حکومت عدل اسلامی متعهد به مقابله با این اقسام از فساد است. مصادیقی چون فساد اداری و اختلاس باعث تضییع حقوق همگانی و دست‌درازی عده‌ای خاص به بیت‌المال می‌شود که نوعی انحراف از عدالت اجتماعی است. از طرفی خویشاوندگرایی نیز باعث تضییع حقوق دیگران و نفی شایسته‌سالاری و لذا ایجاد فساد در جامعه می‌شود.

آستان هنر سراسر زیبایی و آموزش است. استفاده از هنر در جهت پیشگیری از افساد فی الارض با توجه به وسعتی که دارد باعث می‌شود هنر در تمامی عرصه‌ها جلوه پیدا بکند. استفاده از ظرفیت‌های هنر اسلامی با توجه به نفوذی که در میان افراد در جامعه دارد باعث می‌شود تا حدود زیادی راه پیشگیری از افساد فی الارض را بی‌ماییم.

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۴). النهایه، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زادالمسیر فی علم التفسیر. عبدالرزاق المهدی، ج ۱، بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۰ق). الصحاح، تهران: دارالکتب.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۱). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- دلاوری، محمدرضا. (۱۳۹۰). شرح و تحلیل قانون دیوان عدالت اداری، تهران: انتشارات جنگل.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق عدنان صفوان، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
- راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۵). فقه القرآن، قم: کتابخانه مرعشی.
- زاده، بهناز و نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). وجوه افتراق هنر مادی و هنر معنوی، مجله هنرنامه (نشریه تخصصی دانشگاه هنر)، شماره ۱۱، صص ۳۳-۲۰.

زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس، تهران: نشر دارالفکر.

شاملو احمدی، محمد حسین. (۱۳۸۰). فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی. بی جا: نشر دادیار.

شعیری، تاج الدین. (۱۳۶۳). جامع الأخبار. قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳، ص ۱۵۶

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی.

طالقانی، سید محمود. (۱۳۹۰). پرتوی از قرآن: تفسیر آیات سوره حمد و سوره بقره (جلد ۱)، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نشر شهر زبان.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). حقوق اداری تطبیقی حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ، تهران: انتشارات سمت.

طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵). مشکاة الأنوار، چاپ دوم، نجف اشرف: انتشارات کتابخانه حیدریه.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۲). ترجمه تفسیر مجمع البیان جلد ۱، ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی، تهران: فراهانی.

علیخانی، مهدی. (۱۳۹۴). رسانه و صهیونیست، تهران: انتشارات چراغ دانش.

طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی.

قزائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

عمید، حسن. (۱۳۶۷). فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین، قم: دارالهجره دوم.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

گلپایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۱۷). الدر المنضود، قم: دارالقرآن.

مصطفوی، سید حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت ارشاد.

موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۳). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نقی زاده، محمد. (۱۳۹۲). نسبت و رابطه سنت، نوگرایی و مدرنیسم در مباحث هنری و فرهنگی، فصلنامه هنر (نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، شماره ۴۲، صص ۲۳-۱۳.